

تحول فرهنگ سیاسی علمای شیعه از دوره قاجار تا پهلوی

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۲

تاریخ تأیید: ۹۱/۳/۲۲

محمدتقی کرمی *

میثم مهدیار **

صابر جعفری کافی آباد ***

در مواجهه فعال با تجدد (به‌ویژه از دوره‌ی قاجار به بعد) نقش علمای شیعه در مناسبات سیاسی ایران، اهمیتی دوچندان می‌یابد. مباحث پیرامون: مبانی مشروعیت حکومت، نسبت حکومت با دین، نقش مردم و... زمینه‌هایی هستند که علما از این دوره به بعد خود را ناگزیر از پاسخگویی به آن‌ها می‌یابند. مفهوم فرهنگ سیاسی، ظرفیت بسیار بالایی در بازتاب نگرش‌ها پیرامون اغلب مؤلفه‌های مذکور در عرصه سیاست را داراست. این پژوهش با استفاده از یک چارچوب مفهومی بر مبنای الگوی "آلموند و وربا" در مورد فرهنگ سیاسی، ضمن مشخص کردن مؤلفه‌های اساسی فرهنگ سیاسی علمای شیعه متعلق به این جریان در دو دوره مشروطه و پهلوی، تحولات اساسی این مؤلفه‌ها و اولویت آن‌ها را در این دو دوره با استفاده از روش تحلیل محتوای مضمونی بررسی قرار می‌کند.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ سیاسی، فرهنگ سیاسی علمای شیعه، قاجاریه، مشروطه، پهلوی.

* استادیار دانشگاه علامه طباطبایی.

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.

*** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.

طرح مسأله

هرگونه رهیافت به تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران (ایران بعد از اسلام و به خصوص بعد از صفویه) در بازشناسی نیروهای اجتماعی مهم و تأثیرگذار، خود را ناگزیر از توجهی جدی به قشر «روحانیت» خواهد یافت.

مواجهه جدی‌تر با تجدد و دیدگاه‌های «نو» در اندیشه و ساختار سیاسی دروه قاجار و بعد از آن و زیر سوال رفتن مبانی پیشین مشروعیت‌یابی حکومت‌ها، به لحاظ نظری و عملی جایگاه و اندیشه‌های قشر روحانیت را با چالش‌هایی مواجه می‌ساخت. پاسخ به این چالش‌ها بازتاب خود را در اندیشه‌های بزرگان این قشر به‌وضوح نشان می‌دهد. مواجهه روحانیت مشروعه‌خواه با حامیان مشروطه و تقابل بسیار پیچیده‌تر طرفداران جمهوری اسلامی و قائلین به حکومت اسلامی، بارزترین نمونه‌های این مسأله می‌باشند. اما مقصود ما از جریان علمای شیعه در این مقاله، بیشتر ناظر به آن طیفی از قشر روحانیت است که در برابر حکومت جائز موضع منفی گرفتند و برای اولین بار در تاریخ شیعه، در انتقال حق حاکمیت معصوم به فقیه، امکان، چگونگی و جایگاه دخالت و مشارکت مردم را به‌جای اعمال قدرت فردی شاه در نظر می‌گرفتند.

این مقاله با در دستور کار قراردادن مطالعه‌ای تطبیقی و مقایسه‌ای از مفهوم «فرهنگ سیاسی» درصدد آن است تا با مراجعه به آثار مکتوب قشر مورد بررسی (علمای شیعه) در دو دوره‌ی حساس از تاریخ معاصر ایران (دوره‌ی قاجار و پهلوی) در قالب مفهوم فرهنگ سیاسی به تحول آراء، مواضع سیاسی، آرمان‌های اجتماعی، نسبت با حکومت و مردم، برخورد با دیدگاه‌های نو، دنیای مدرن، مدرنیزاسیون، سنت و... علمای شیعه در عبور از این دو دوره بپردازد.

فرهنگ شامل الگوهایی آشکار و ناآشکار از رفتار و برای رفتار است که به‌واسطه نمادها انتقال می‌یابد. هسته اصلی فرهنگ شامل عقاید سنتی و به‌خصوص ارزش‌های وابسته به آن‌ها است. نظام‌های فرهنگ را می‌توان از سویی فرآورده‌های عمل و از سویی دیگر مشروط‌کننده عناصر عمل بعدی تلقی کرد. (گولد و کولب به نقل از کروبر و کلوکسون، ۱۳۸۴: ۶۲۸) «بیر و اولام» عقیده دارند که جنبه‌های خاصی از فرهنگ عمومی جامعه به - طور ویژه با چگونگی برخورد با حکومت و اینکه چه وظایفی را انجام دهد، ارتباط دارد. این بخش از فرهنگ را می‌توان «فرهنگ سیاسی» نامید. (شریف، ۱۳۸۱: ۹) از این دیدگاه بررسی رفتارهای سیاسی بازیگران اعم از نخبگان، سیاستمداران و توده‌ها بدون توجه به



نگرش‌ها، باورها و احساسات آن‌ها نسبت به سیاست و قدرت سیاسی، امکان‌پذیر نیست؛ و این درست همان کاری است که رهیافت فرهنگ سیاسی مدعی آن است.

در اواخر دوره قاجاریه و در آستانه انقلاب مشروطیت، مسائلی پیش آمد که منجر شد تا در تفکر هزار و سیصد ساله علمای شیعه در باب حاکمیت، تغییری اساسی ایجاد شود. (جمال‌زاده، ۱۳۷۷: ۴۷) در دیدگاه سنتی، اصل حاکمیت برای معصوم **7** ثابت بود و حاکمیت معصوم، فردی و منصوب از جانب خدا بود. انتقال آن به فقیه یا سلطان نیز انتقال به فرد بود، نه جمع؛ لذا اساساً صحبت از مردم و حاکمیت مردم مطرح نبود. (جمال‌زاده، ۱۳۷۷: ۴۶-۴۷) تغییر جدید اتفاق افتاده، تغییر در مفهوم حاکمیت فردی به حاکمیت جمعی و حاکمیت مردم در زمان غیبت بود، که به عنوان جایگزینی برای حاکمیت سیاسی پادشاه که یک نوع حاکمیت فردی بود، مطرح می‌شد. (جمال‌زاده، ۱۳۷۷: ۴۷) این تغییر را می‌توان به عنوان یکی از شاخص‌هایی در نظر گرفت که موجب تمایز گروهی از علمای شیعه می‌شد؛ گروهی که در برابر تغییرات جدید، هنوز پایبند به تفکر سنتی بودند. در مقابل علمایی قرار می‌گرفتند که از روایت سنتی فاصله گرفته بودند و در انتقال حق حاکمیت معصوم، امکان انتقال آن به «جمع» را به جای «فرد» (فقیه یا سلطان) در نظر می‌گرفتند.

تجربه نسبتاً ناموفق علمای شیعه دوران مشروطه در جمع، و یا به تعبیر بهتر تعیین نسبت بین شاخص‌های تجددی و اسلام و بازاندیشی‌های متعاقب آن، زمینه عملی و نظری مناسب‌تری را برای حضور این قشر در آزمون اجتماعی بزرگ‌تری به نام انقلاب اسلامی فراهم آورد. با پیروزی انقلاب اسلامی و به‌وجود آمدن شرایط عملی برای آنچه که این قشر به‌عنوان یک آرمان در ذهن خود می‌پرورانید، ضرورت و اهمیت مطالعه تاریخی فرهنگ سیاسی این قشر بسیار مهم و تأثیرگذار را دوچندان می‌سازد و این پژوهش را می‌توان به‌عنوان تلاشی در این راستا در نظر گرفت.

پژوهش‌های انجام گرفته پیرامون تاریخ معاصر سیاسی و اجتماعی ایران از جمله هاشم‌زهی (۱۳۸۶)، تاجداری (۱۳۸۶)، قیصری (۱۳۷۴) و جمال‌زاده (۱۳۷۶) زمینه مناسبی را برای شناسایی نیروهای اجتماعی اصلی و تأثیرگذار در آستانه دو انقلاب اجتماعی مهم فراهم می‌آورند. بررسی جایگاه، نقش و سهم روحانیت و نخبگان مذهبی شیعه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیروهای حاضر در این تحولات اجتماعی بخشی از این پژوهش‌ها است؛ لیکن بررسی سیر اندیشه سیاسی این قشر مهم در قالب فرهنگ سیاسی، از اولین مواجهه جدی و بزرگ‌دامنه با ارزش‌های سیاسی تجددی یعنی دوران مشروطه تا آستانه انقلاب

اسلامی که مجال بازان‌دیشی‌های جدی در تعیین نسبت با این ارزش‌ها برای این قشر فراهم می‌آید، امری است که در بسیاری از این پژوهش‌ها مورد توجه قرار نگرفته است. هرچند می‌توان به مطالعاتی در این زمینه اشاره داشت، ولی فقدان یک چارچوب مشخص به عنوان مبنایی برای تحلیل‌های ارائه‌شده، ضعفی است که در اغلب این مطالعات مشهود است.

سیر مفهومی فرهنگ سیاسی

در هر نظام سیاسی حوزه‌ی ذهنی نظام‌یافته‌ای از سیاست نیز وجود دارد که: به اعمال سیاسی معنی می‌بخشد، نهادها را انتظام داده و به اعمال فردی ماهیتی اجتماعی می‌دهد و از همین مجرا به‌نوعی انسجام در عملکرد نهادها و سازمان‌ها را تضمین می‌کند. (Dowse and Hughes, 1975: 227) اصطلاح فرهنگ سیاسی را معادل همین حوزه‌ی ذهنی نظام‌یافته از سیاست در نظر می‌گیریم. «فرهنگ از طریق باورها، اسطوره‌ها، قواعد و هنجارها، بر اندیشه و رفتار سیاست‌مداران و نهادهای سیاسی اثر می‌گذارد؛ به‌عنوان ناظم روابط اجتماعی به نهادها شکل داده و الگوها و جهت‌گیری‌های رفتار جمعی را تعیین می‌کند و از این رهگذر نقش مهمی در زندگی سیاسی به‌عنوان گونه‌ای از فعالیت اجتماعی ایفا می‌کند». (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۵)

در دوره‌ی مدرن برای نمونه «مونتسکیو» در روح‌القوانین رابطه‌ای میان اقلیم، ویژگی‌های فرهنگی و نظام حقوقی برقرار می‌کند. او فرهنگ سیاسی را تابعی از شرایط اقلیمی به شمار می‌آورد و نهادهای حقوقی و سیاسی را تابع فرهنگ سیاسی، یا به بیان خود وی، خوی و خصلت ملی (روح ملی) می‌داند. (شریف، ۱۳۸۱: ۷) «توکویل» در کتاب دموکراسی در آمریکا، رابطه‌ی میان آداب و سنت‌ها و نتیجه‌ی سیاسی آن‌ها یعنی دموکراسی را نشان می‌دهد. کتاب «رژیم کهن و انقلاب» وی نیز تحلیل نگرش‌های سیاسی دهقانان، بورژوازی و اشراف فرانسه در آستانه‌ی انقلاب است. (Gendzel, 1997: 226-227)

ریشه مفهوم فرهنگ سیاسی را می‌توان در نوشته‌های منتسکیو یافت، ولی «آلموند» اعتقاد داشت مفهوم فرهنگ سیاسی وی باید جایگزین اصطلاحات کم‌ثمرتری همچون منش ملی و خوی فرهنگی (cultureethos) شود. (چیلکوت، ۱۳۷۸: ۳۴۲-۳۴۵) وی در سال ۱۹۹۴ در مقدمه‌ی کتاب «فرهنگ سیاسی و دموکراسی در کشورهای در حال توسعه» اثر لاری دایموند، روند مطالعات فرهنگ سیاسی و چگونگی برخورد رویکردها و



دیدگاه‌های دیگر با این مفهوم را به سه دوره تقسیم می‌کند (Diamond, 1993: 14): در دهه‌های اول قرن بیستم مطالعات روانشناسی و انسانشناسی به‌ویژه مکتب «فرهنگ و شخصیت» در اهمیت یافتن فرهنگ سیاسی مؤثر بودند. این مکتب که تلفیقی بود از آرای روانکاوی و انسانشناسی فرهنگی، و شخصیت‌های برجسته‌ای همچون هارولد لاسول، روت بندیکت، مارگارت مید و اریک فروم را شامل می‌شد، تلاش می‌کرد تا پیوستن افراد در جریان‌ات سیاسی و جنگ، اقتدارگرایی، قومیت‌گرایی، ظهور فاشیسم و... را برحسب جامعه‌پذیری بچه‌ها، مراقبت کودکان، الگوهای آموزشی سخت‌گیرانه، الگوهای انضباطی والدین، ساختار خانواده و الگوهای دوران اولیه کودکی تبیین کند. در واکنش به این تقلیل‌گرایی، مطالعات فرهنگ سیاسی بین سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۰ توسعه پیدا کرد که برخلاف مطالعات قبلی به نگرش‌های روش‌شناسانه دقیق‌تر و نمونه‌های آماری جمعیت‌های گسترده و خرده‌گروه‌های فرهنگی تکیه داشت. از جمله تحقیقات گسترده این دوره که در مراکز علمی و دانشگاه‌ها صورت گرفت، می‌توان به تحقیق مدنی پنج ملت در دانشگاه پرینستون استانفورد اشاره کرد. سنت قدیمی‌تر تحقیق فرهنگ-شخصیت، به مطالعات روانی رهبران سیاسی محدود شد.

در پی جریان‌های رادیکال دهه‌ی ۱۹۷۰-۱۹۶۰ مشروعیت، استقلال و آزادی دانشگاه‌ها، بی‌طرفی یا واقع‌گرایی علوم اجتماعی به چالش کشیده شد و نظریاتی از قبیل فرهنگ سیاسی نیز مشروعیت خویش را از دست دادند و نظریه‌ای محافظه‌کارانه و ایدئولوژی سرمایه‌دارانه قلمداد گردیدند. با فروپاشی کمونیسم در اروپای شرقی و سپس فروپاشی مارکسیسم لنینیسم، دو جریان مارکسیسم و انتخاب عقلانی که تضعیف‌کنندگان اهمیت فرهنگ سیاسی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ بودند، نفوذ خود را از دست دادند و زیر سؤال رفتند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ نظریه‌پردازان «انتخاب عقلانی»، از موضع تقلیل‌گرایانه عقلانی خود و تأکید بر انتخاب عقلانی و نفع کوتاه مدت شخصی عقب‌نشینی کردند. این عقب‌نشینی منجر به اهمیت نقش نمادها، قوانین، قواعد، باورها و ارزش‌ها در تبیین مسائل و پدیده‌ها شد.

از این دوره به بعد کم‌کم علاقه به فرهنگ سیاسی احیاء شد و رهیافت فرهنگ سیاسی جایگاه و اهمیت خود را دوباره در تمایل‌های سیاسی و جامعه‌شناختی پیدا نمود؛ به‌نحوی که برخی پژوهشگران از «بازکشف فرهنگ سیاسی» یا «احیای فرهنگ سیاسی» برای توصیف این تحول استفاده کرده‌اند. (سرشار، ۱۳۹۰: ۱۱) دلایل احیای علاقه-



مندی به فرهنگ سیاسی را تحولات تاریخی، چرخش‌های نظری و تلاش برای رفع محدودیت‌ها و ابهامات مفهوم‌بندی‌های پیشین فرهنگ سیاسی برشمرده‌اند. (Street, 1994: 95)

در کنار روندی که مفهوم فرهنگ سیاسی به‌ویژه در طول چند دهه اخیر پشت سر گذاشته، نتایج مطالعاتی که حاکی از تبیین‌کنندگی فرهنگ سیاسی بر روی توسعه سیاسی می‌باشند، توجه دوباره به این مفهوم را توجیه می‌کند. توجه به زمینه‌های فرهنگی مانند اهمیت نقش نمادها، قوانین، قواعد، باورها و ارزش‌ها در تسهیل برنامه‌های توسعه سیاسی را می‌توان حرکتی در این جهت در نظر گرفت. مطالعه ابعاد مختلف فرهنگ سیاسی (که البته تاکنون کمتر به آن توجه شده است) در کنار مطالعه ساختارهای سیاسی در بعد کلان و خرد، که تا چندی پیش بخش اعظم مطالعات در این زمینه را به خود اختصاص می‌داد، ناظر بر همین مسأله می‌باشد.

چارچوب مفهومی

در مطالعه حاضر، تلفیقی از نظریه عمومی کنش پارسونز و نظریه آلموند و وربا که با نام «نظریه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا» معروف است، به عنوان چارچوب مفهومی انتخاب شده است. تئوری عمومی کنش پارسونز دارای عناصر و مفاهیمی است که از آن‌ها می‌توان به عنوان ابزاری برای تحلیل فرهنگ سیاسی سود جست. این عناصر عبارتند از: (۱) کنش و نظام‌های کنش (۲) کنشگر (۳) وضعیت کنش (۴) جهت‌گیری کنشگر به سوی وضعیت. در فرهنگ سیاسی تمرکز بر روی عنصر چهارم، یعنی جهت‌گیری کنشگر به سوی وضعیت است که به سه نوع تقسیم می‌شود: ۱- جهت‌گیری شناختی، ۲- احساسی، ۳- ارزشیابانه. (جهانگیری؛ بوستانی، ۱۳۸۰: ۱۷۸) آلموند و وربا معتقدند: «فرهنگ سیاسی به نظام سیاسی‌ای اشاره می‌کند که در شناخت‌ها، احساسات و ارزیابی مردم درونی شده است.» (Almond & Verba, 1963: 14)

در این پژوهش با توجه به اینکه نمونه‌های ما به صورت هدفمند از میان مکتوبات نخبگان مذهبی شیعه در دو دوره خاص برگزیده شده‌اند؛ پس بیشتر از اینکه بُعد رفتاری مفهوم فرهنگ سیاسی مد نظر باشد، بعد اندیشه‌ای و احساسی آن مورد تأکید است و عمل را تبعی اندیشه و احساسات دانسته ایم. در نتیجه در این پژوهش فرهنگ سیاسی حاصل جهت‌گیری‌های شناختی، احساسی و ارزشیابانه نسبت به چهار بُعد نظام سیاسی یعنی «کلیت نظام»، «خود به عنوان بازیگر سیاسی»، «دروندها» و «بروندها» است.

دروندادها به دو بخش تقاضا و حمایت‌ها تقسیم می‌شوند. منظور ما از تقاضاها، همان درخواست افراد برای مشارکت در فرایندهای سیاسی، توزیع متناسب کالاها و خدمات، انتقال اطلاعات و... می‌شود. منظور از حمایت‌ها، حمایت‌های سیاسی از جمله رأی دادن و مشارکت در مبارزات سیاسی و تمکین شهروندان به قوانین است. اما بروندادها، به بُعد اجرایی و سیاستگذاری‌های نظام سیاسی مربوط می‌شود. دو مفهوم دیگر اساسی که نقشی تعیین کننده در این اثر خواهند داشت «نظام» و «بازیگر سیاسی» هستند. (بشیریه، ۱۳۸۴: ۶۶) نظام (ترجمه «system») خود حاصل نقش‌های تعاملی شهروندان، قانون‌گذاران و مجریان است و از طریق ارزش‌ها، کالاها و خدمات برحسب قدرت معتبر برای همه بخش‌های جامعه سهم‌بندی می‌شود. (شریف، ۱۳۸۱: ۱۳)

جهت‌گیری‌ها این‌گونه تعریف می‌شوند:

(۱) جهت‌گیری شناختی: یعنی دانش و باور فرد در مورد نظام سیاسی، نقش‌ها، متصدیان نقش‌ها، دروندادها و بروندادها.

(۲) جهت‌گیری احساسی: احساسات فرد در مورد نظام سیاسی، نقش‌ها، اشخاص و شیوه عمل آن.

(۳) جهت‌گیری ارزشیابانه: قضاوت‌ها و نظرات افراد در مورد موضوعات سیاسی که ترکیبی از معیارهای ارزشی است و با اطلاعات و احساسات سروکار دارند. (شهرام‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۷۰؛ آل‌غفور، ۱۳۷۵: ۱۱۹-۱۱۸)

از این میان آلموند به سه نوع فرهنگ سیاسی اشاره می‌کند: ۱. فرهنگ سیاسی محدود، ۲. فرهنگ سیاسی تابع، ۳. فرهنگ سیاسی مشارکتی.

- فرهنگ سیاسی محدود: کسی که چنین فرهنگی دارد نسبت به نظام سیاسی بی اطلاع است، در جهت دروندادها و بروندادها جهت‌گیری ندارد، نسبت به حقوق و وظایف خود بی اطلاع می‌باشد.

- فرهنگ سیاسی تابع: در این نوع فرهنگ، افراد از نظام سیاسی آگاهی دارند و نسبت به بروندادها جهت‌گیری می‌کنند، ولی در دروندادها مشارکت نمی‌کنند.

- فرهنگ سیاسی مشارکتی: فردی که چنین فرهنگی دارد از هر دو بعد دروندادها و بروندادها مطلع است، مشارکت‌کننده است و به وظایف و حقوق خود آگاه است. (کاظمی، ۱۳۷۶: ۳۸-۴۲)

جدول ۱- انواع فرهنگ سیاسی (منبع: شریف، ۱۳۸۱)

خود به عنوان بازیگر سیاسی	برون دادها	دروندادها	نظام به عنوان یک کل	جوانب زندگی سیاسی انواع فرهنگ سیاسی
۰	۰	۰	۰	محدود (بسته)
۰	۱	۰	۱	تبعی (انفعالی)
۱	۱	۱	۱	مشارکت جو (فعال)

آلموند و وربا همچنین به ترکیبی از این سه نوع فرهنگ اشاره می‌کند که عبارتند از: (۱) فرهنگ سیاسی تابع-محدود، (۲) فرهنگ سیاسی تابع-مشارکتی، (۳) فرهنگ سیاسی مشارکتی-محدود. (شریف، ۱۳۸۱: ۱۷) آلموند برای ارزیابی سطح فرهنگ سیاسی چهار معیار مطرح می‌کند:

- (۱) میزان اطلاعات افراد در باب کشور و نظام سیاسی، تاریخ و قانون اساسی آن در چه حد می‌باشد؟
- (۲) میزان دانش و اطلاعات افراد درباره نقش نخبگان سیاسی، خطمشی‌های سیاسی و نیز احساس‌هایشان نسبت به این موضوعات به چه میزان می‌باشد؟
- (۳) میزان دانش و اطلاعات افراد درباره ساخت‌ها، تصمیمات و متصدیان اجرای آن‌ها و احساس نسبت به آن‌ها در چه حد است؟
- (۴) تصور افراد نسبت به خود و میزان آگاهی از حقوق، قابلیت‌ها، صلاحیت‌های خود و هنجارهای مشارکت چگونه است؟ (عالم، ۱۳۷۲: ۷۸)

رهیافت روش‌شناختی و روش تحقیق

در این پژوهش از رهیافت تطبیقی-تاریخی به‌عنوان رهیافت روش‌شناختی و مبنایی برای تحلیل‌ها استفاده شده است. تطبیق تاریخی، مطالعه سازمان‌یافته و چارچوب‌مند یک جریان خاص در موقعیت‌های زمانی متفاوت می‌باشد که با مقایسه موارد انتخاب‌شده، تشابهات و تفاوت‌های آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. (سیدامامی، ۱۳۷۴: ۱۶۶)

همچنین در این مطالعه از روش تحقیق تحلیل محتوای مضمونی استفاده خواهد شد. این روش عبارت است از: «مقایسه و مقایسهٔ بسامدهای برخی از خصوصیات که از قبل در مقوله‌های معنادار دسته‌بندی شده‌اند. مبنای این نوع تحلیل را پیش‌فرضی تشکیل می‌دهد که به موجب آن یک مضمون هر چه پربسامدتر (فراوان‌تر) تکرار شود، در نظر گوینده اهمیت بیشتری دارد». (کیوی؛ کامپنهود، ۱۳۸۶: ۲۲۴)



در این پژوهش سعی شده است که ابتدا بر اساس چارچوب مفهومی، مقولات را انتخاب کنیم و پس از تعریف عملیاتی، به ردیابی آن‌ها در متون انتخابی بپردازیم. (جدول مقولات عملیاتی‌شده بر مبنای چارچوب مفهومی در انتهای مقاله ضمیمه شده است). واحد شمارش ما در این پژوهش مضمون است. «مضمون یا موضوع اظهاری واحد درباره چیزی است که معمولاً مفیدترین واحد تحلیل محتوا است. مضامین معمولاً لابه‌لای جمله‌ها، عبارت‌ها، پاراگراف‌ها و حتی تصویرها وجود دارند و معمولاً دارای حد و مرز مشخص نیستند؛ و همین امر به دشواری کار می‌افزاید.» (هولستی، ۱۳۷۲: ۱۲۵) واحد زمینه این پژوهش نیز کل یک رساله یا کتاب می‌باشد. «واحد زمینه وسیع‌ترین متن محتواست که می‌توان آن را برای مشخص کردن واحد ثبت مورد بررسی قرار داد.» (هولستی، ۱۳۷۲: ۱۸۳)

نمونه‌گیری

نمونه‌گیری ما به صورت هدفمند از میان آثار علمایی بوده است که اغلب جهت‌گیری منفی‌ای نسبت به حاکمیت داشته‌اند و می‌توان آن‌ها را جزو نیروهای اپوزیسیون در هر دوره به حساب آورد. لازم به ذکر است زمان کتابت متون به عنوان دوره تاریخی مورد نظر مدنظر بوده است.

الف) دوره قاجار

اگر نیروها و جریان‌های سیاسی نخبگان ایران را در دوران مشروطه به «نیروهای غرب‌گرای آزادی‌خواه: حزب اجتماعیون - اعتدالیون، غرب‌گرای عدالت‌خواه: حزب دموکرات ایران و بومی‌گرای مقاومت: شیخ فضل‌الله نوری و هوادارانش» تقسیم‌بندی کنیم. (تاجداری، ۱۳۸۶: ۲۰۰-۱۵۶) حضور روحانیون در دو جریان اعتدالی و نیروی بومی - گرای مقاومت روشن است؛ لیکن با توجه به وجه‌نظری که در این مقاله برای نخبگان مذهبی شیعه در نظر گرفته شده، بیشتر می‌توان در جریان نیروی غرب‌گرای آزادی‌خواه: حزب اجتماعیون - اعتدالیون، به دنبال قشر روحانی مدنظر این مقاله گشت. البته از سایر علمایی که به این جریان متعلق نبوده‌اند ولی وجه نظر مذکور را تأمین می‌کرده‌اند؛ نیز مورد انتخاب قرار گرفته‌اند؛ لیکن محور اصلی انتخاب را جریان مذکور و تعلق به آن تأمین می‌کند. یعنی آن دسته از علمای شیعه که بر لزوم تغییر وضعیت موجود در قالب تدوین برنامه‌ها و تعبیه ساختارهای لازم در کنترل قدرت حکومت تأکید داشتند هرچند در ارائه



راه‌حل‌های جایگزین، چشم‌اندازهای متفاوتی را پیگیری می‌کردند. «ملک‌الشعراى بهار» تاریخ تشکیل حزب اعتدالی و حزب دموکرات را در سال اول فتح تهران و در ۱۳۲۷ هجری قمری مطابق با ۱۹۰۷ میلادی می‌داند. (بهار، ۱۳۷۱: ۱۱) البته همه احزاب این مجلس پس از آنکه ناصرالملک از مجلس خواست و کلاً مسلک و عقیده سیاسی خود را مشخص کنند، به‌طور رسمی آشکار شدند. (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۳۶۳) اگرچه رئیس حزب مشخص نیست ولی گفته می‌شود سید محمد صادق طباطبایی رئیس بود؛ البته از علی محمد دولت‌آبادی هم نام برده‌اند. (جواهری، ۱۳۸۰: ۱۸۰)

در مجلس دوم ترکیب اجتماعی این محافظه‌کاران غلبه داشت. «فوران» نقل می‌کند که: ۸۳ درصد نمایندگان این مجلس را زمین‌داران، دیوانسالاران زمین‌دار قاجار و رؤسای قبایل تشکیل می‌دادند. (فوران، ۱۳۷۸: ۲۸۷) این حزب دوبار مرام‌نامه خود را منتشر کرد که دومین مرام‌نامه با نام «دستور مشروح مسلکی یا مرام‌نامه حزب اجتماعيون-اعتداليون» سنجیده‌تر تقریر شده بود. (تاجداری، ۱۳۸۶: ۱۵۹) به نظر «آبراهامیان» مرام‌نامه اعتدالیون بیشتر شامل عناصری مثل تقویت سلطنت مشروطه، تنفیذ شریعت، زندگی خانواده، مالکیت خصوصی، کمک به طبقه متوسط بازار از طریق القای گرایش‌های تعاونی در توده‌ها از راه تعالیم دینی، اعطای کمک‌های مالی به طبقه متوسط و به‌ویژه سرمایه‌داران خرده‌پای بازار، مقاومت یا مخالفت با تروریسم آنارشیست‌ها، بی‌خدایی دموکرات‌ها و ماده-گرایی مارکسیست‌ها بود. (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۹۶-۹۵) در آثار و متون منسوب به این جریان بارها از کلمه‌های اعتدال، تعادل، میانه‌روی و توازن (و متضادهای منفی چون افراط و تفریط) به بهانه‌های مختلف استفاده شده است، که قصد القای مستقیم یا غیرمستقیم مسلک اعتدالی را دارد. (تاجداری، ۱۳۸۶: ۱۶۰)

از سایر طبقه‌بندی‌های مربوط به علمای دوران مشروطه، تقسیم آن‌ها به متعلقین و منسوبین به مکتب اصولی نجف و متعلقین و منسوبین به مکتب اصولی سامرا می‌باشد؛ که با مبنا قرار دادن مسلک اصولی، سعی در تبیین موضع‌گیری سیاسی آن‌ها دارد.

تأملات میرزای شیرازی بزرگ و شاگردان وی درباره حوزة معرفت سیاسی، این مکتب باشکوه را در سامرا پایه‌ریزی کرد. بزرگانی چون محدث نوری، آقاسیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، آقانورالله اصفهانی، سیدحسن مدرس، میرزای آشتیانی، ملاعبدالله مازندرانی و مجتهدان دیگری که مستجمع بینش‌های فقاهتی و سیاسی بوده‌اند و از متأثران یا متلمذان این مکتب بودند، طلایه‌داران جنبش‌های اسلامی در دنیای شیعه

شدند. (حسینی جبلی، ۱۳۹۰: ۱۷۹) می‌توان رئوس باورداشته‌ها و رهیافت مکتب سامرا را در اندیشه شیخ فضل‌الله نوری، که آثار مکتوب‌اش (رسایل، لویح و مکتوبات) در زمینه معرفت سیاسی به‌طور منسجم و مشخص قابل دسترس است، پیگیری کرد: (حسینی جبلی، ۱۳۹۰: ۲۲۰-۱۷۸)

- سیاست با دیانت ارتباط ذاتی دارد (اندیشیدن درباره قدرت و حکومت امری خلاف شأن مذهب نمی‌باشد).

- برقراری عدالت اجتماعی با تشکیل حکومت اسلامی است (برای گسترش عدالت باید حاملان اندیشه دینی «فقها و مجتهدان» حاکم شوند یا حکومت بر اساس نظریات آن‌ها اداره شود).

- منشاء حقیقی حکومت‌های اقتداری و استبدادی، انفکاک سیاست از شریعت است.

- ولایت و اطاعت محض از فقیه جامع‌الشرایط لازم است.

- مخالفت صریح با آزادی مطلق بیان و قلم.

- مساوات در این معنی که باید هرچه اسلام مساوی دانسته است، پذیرفت و آنچه شریعت مطهره برای آن مساوی قایل نشده، به‌صورت قانون جعل نکرد.

- قوانین موضوعه جدید نباید مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه

نبوی **۶** داشته باشد و «معین است که تشخیص مواد موافقت و مخالفت قوانین موضوعه مجلس شورای ملی با قواعد اسلامی، در عهده علمای اعلام بوده و هست...»

در حوزه معرفت سیاسی، در نجف نیز مکتبی به‌وجود آمد که پیروان آن آخوند خراسانی و ملاعبدالله مازندرانی و نظریه‌پردازش میرزای نائینی بوده است. بنابراین دیدگاه، مفهوم مشروطه توانایی برآوردن آرزوهای مردم، محدود ساختن قدرت حاکمان ظالم، تأمین آزادی، عدالت و مساوات است، هرچند نمی‌تواند آرزوی اصلی علمای شیعه را مبنی بر تأسیس حکومت اسلامی برآورده سازد. می‌توان رئوس باورداشته‌ها و رهیافت مکتب نجف را در اندیشه میرزای نائینی، نظریه‌پرداز این مکتب، که به‌ویژه در اثر مشهورش «تنبيه-

الامة و تنزیة الملة» قابل دسترس است، پیگیری کرد: (حسینی جبلی، ۱۳۹۰: ۲۲۳-۲۲۰)

- در عصر غیبت امام زمان **۴** که امکان تشکیل حکومت حقّه نیست، از باب دفع

افسد به فاسد، می‌توان نظام مشروطه مذهبی را بوجود آورد. هرچند نظام سیاسی مشروطه

نظام مطلوب نیست، بلکه قدر مقدور حکومت اسلامی شیعه می‌تواند به‌صورت «مشروطه مذهبی» مطرح شود (حکومت مشروطه هم از حکم مشروطه بودن خارج نیست و تنها به-



جهت یک ضرورت اجتماعی، یعنی جلوگیری از خودکامگی سلاطین مطرح می‌شود).

- مخالفت با استبداد و استعمار.

- غرب‌ستیزی و مخالفت با استیلای غرب بر ممالک اسلامی.

- موافقت با آزادی به معنی رهایی از اسارت و بندگی استبداد و مخالفت با آزادی در

بیان، اخلاق و انتخاب آحاد مردم، اعم از مسلمان و غیرمسلمان در جامعه اسلامی.

- مساوات در معنی مساوی بودن در اجرای احکام و حدود الهی در مصداق‌های

خارجی؛ اما مساوات در حقوق، پذیرفتنی نیست. وی استدلال می‌کند که مساوات به معنای

عدالت است و باید در امورات مالی و اقتصادی بین سلاطین و رعایا وجود داشته باشد؛ اما

به لحاظ دینی، سیاسی و اجتماعی، طبق موازین اسلامی، هیچ عالمی کافر و مسلمان را در

یک حد نمی‌داند.

- احکام ثابت اسلام و احکام متغیر، باید موکول به شریعت مطهره باشند که از جانب

فقیهان تنفیذ شوند. قوانینی لازم‌الاجرا است که از نظر عالمان دینی و فقها بگذرد (و با

مبانی دینی موافق باشند).

تقریباً تمام علمای متعلق یا منسوب به مکتب نجف را می‌توان به لحاظ مواضع

سیاسی هم‌راستای حزب اعتدالیون دانست. متون انتخاب‌شده برای دوران مشروطه به قرار

زیر می‌باشند که به لحاظ مواضع سیاسی با شاخص‌های حزب اعتدالی همخوانی داشتند و

با استدلال‌های به کار بسته شده در آن‌ها نیز، تعلق آنان به مکتب اصولی نجف را گواه

می‌باشد

«تنبيه الامّة و تنزیه الملة» نوشته علامه میرزا محمدحسین غروی نائینی (ربیع‌الاول

۱۳۲۷ هـ ق)

«انصافیه» نوشته حاج ملاعبدالرسول کاشانی (۱۳۲۷ هـ ق)

«لالان» نوشته میرزا علی ثقه‌الاسلام تبریزی (محرم ۱۳۲۷ هـ ق)

«قانون در اتحاد دولت و ملت» نوشته حاج سید عبدالحسین موسوی لاری دزفولی-

الاصل (محرم ۱۳۲۶ هـ ق)

«مکالمات مقیم و مسافر» نوشته حاج آقا نورالله اصفهانی (محرم ۱۳۲۷ هـ ق)

«قانون مشروطه مشروعه» نوشته حاج سید عبدالحسین موسوی لاری دزفولی‌الاصل

(جمادی‌الآخری ۱۳۲۵ هـ ق).

ب) دوره پهلوی

سه جریان متغیر و متداخل، ولی قابل تشخیص را می‌توان قبل از انقلاب اسلامی و در دوران پهلوی در بین روحانیت تشخیص داد:

(۱) علما و روحانیون محتاط و غیرسیاسی: اعضای این جریان با رهبری آیت‌الله نجفی مرعشی (در پیوند با آیت‌الله سیداحمد خوانساری در تهران و آیت‌الله خویی در نجف) اعتقاد داشتند که روحانیون باید از کار سیاسی دوری گزینند و به مسائل معنوی، مانند تبلیغ کلام خدا، تحصیل درحوزه‌ها و آموزش علمای نسل آینده بپردازند. البته این علما تنها در پاره‌ای از اوقات و بنا به دلایلی برای پادرمیانی یا چیزی شبیه به آن، ممکن بود به نوعی حرکت سیاسی دست زنند. آیت‌الله سیداحمد خوانساری همانند آیت‌الله بروجردی از تکرار تجربه تلخ مشروطه نگران بود. (فراستی، ۱۳۸۶) روشن است که این گروه مدنظر مقاله ما نمی‌باشد.

(۲) روحانیون میانه‌رو: این گروه در عین مخالفت با برخی اقدامات و مظاهر فساد دولت پهلوی، حاضر به ورود یک مبارزه تند نبودند. این جریان توسط آیت‌الله سیدمحمدرضا گلپایگانی و مهم‌تر از همه، آیت‌الله سیدکاظم شریعتمداری (و نیز آیت‌الله محمد هادی میلانی در مشهد) رهبری می‌شد. مهم‌ترین ویژگی میانه‌روها، این بود که خواستار سرنگونی سلطنت نبودند و بر اجرای کامل قانون اساسی مشروطه تأکید می‌ورزیدند و در این معنا نمی‌توان آن‌ها را یک مخالف جدی برای حکومت و طرفدار تغییر وضعیت موجود در نظر آورد. (فراستی، ۱۳۸۶) با توجه به مواضع این طیف از علما، این جریان نیز از بررسی این مقاله خارج می‌باشد.

(۳) روحانیون انقلابی: پس از تبعید امام خمینی، شبکه‌ای مخفی و غیررسمی در ایران به‌راه افتاد. اعضای این جریان برخلاف جریان دوم، هیچ‌گونه ارتباطی با حکومت نداشتند. رهبر این جریان، آشکارا از رژیم پهلوی انتقاد می‌کرد و روحانیون و مؤمنان را به سرنگونی آن فرا می‌خواند و در قبال ایرادات جریان دوم اذعان می‌کرد: «وقتی موفق شدید دستگاه حاکم جائر را سرنگون کنید، یقیناً از عهده اداره حکومت و رهبری توده‌های مردم برمی‌آید. طرح حکومت و اداره و قوانین لازم برای آن آماده است، احتیاجی نیست بعد از تشکیل حکومت بنشینید قانون وضع کنید. همه چیز آماده و مهیاست». (فراستی، ۱۳۸۶) در این مقاله از دوره پهلوی بیشتر این جریان مدنظر ما می‌باشد. آثار انتخاب‌شده از این جریان نیز به شرح زیر است: (البته لازم به ذکر است که آرای برخی از این نویسندگان بعد از انقلاب اسلامی دست‌خوش تغییرات و استحاله‌هایی شد لیکن این آثار با در نظر گرفتن

آن وجه نظری که قبل از انقلاب نگاشته شده بودند، انتخاب شده‌اند)
 «سیستم حکومتی اسلامی» نوشته علامه یحیی نوری (۱۳۴۳ هـ ش)
 «دین و شئون طرز حکومت در مذهب شیعه» نوشته اسدالله ممقانی (۱۳۷۵ هـ ق /
 ۱۳۳۵ هـ ش)
 «نظام حکومت در اسلام» نوشته آیت‌الله محمد صادق روحانی (۱۳۹۶ هـ ق / ۱۳۵۵ هـ ش)
 «طرح کلی نظام اسلامی» نوشته شیخ علی تهرانی شاگرد و مرید امام در مقطعی از
 زندگانی (۱۳۵۰ هـ ش)
 «ولایت فقیه» نوشته امام خمینی (۱۳۴۹ هـ ش).

بررسی متون انتخاب شده (تحلیل اولیه نتایج)

جداول رسم شده برای هر اثر، خلاصه جدول فراوانی مضامین مربوطه می‌باشد. به علت محدودیت فضا جدول فراوانی خام به عنوان نمونه فقط برای کتاب «تنبيه الامه و تنزيه الملة» آورده می‌شود و در آثار بعدی صرفاً به جداول درصدی فراوانی ابعاد کلی فرهنگ سیاسی اکتفا خواهیم کرد.



دوره قاجار

کتاب «تنبيه الامه و تنزيه الملة»

مجموع	درصد فراوانی	تنبيه الامه و تنزيه الملة	
		شناختی	نظام
۳۰/۵	۲۳/۵	شناختی	نظام
	۸	ارزشی	
	۰	احساسی	
۱۶/۵	۱۵/۵	شناختی	درونداد
	۱	ارزشی	
	۰	احساسی	
۱۸/۵	۱۵/۵	شناختی	برونداد
	۳	ارزشی	
	۰	احساسی	
۳۳	۲۰	شناختی	خود
	۱۳	ارزشی	
	۰	احساسی	

تبیین مسأله «حکومت و اصول و ارکان آن برپایه دین و شریعت اسلام» از بحث‌های جدی و جدید فکری سیاسی در عصر مشروطیت بود، که فقیهان شیعی به آن پرداخته‌اند. مرحوم نائینی به‌طور جدی به این موضوع پرداخت و اثر ماندگار یادشده را به رشته تحریر درآورد. این اثر به زبان فارسی ولی با قلمی فقیهانه و عالمانه نگاشته شده است، و در آن اندیشه و آرای سیاسی علمای مشروطه‌خواه، بر اساس منابع اسلامی مدلل گردیده.

از تحلیل فراوانی مضامین کتاب مذکور این چنین بر می‌آید که مضامین مربوط به نگرش‌های شناختی از «خود» و «نظام» بیشترین فراوانی‌ها را در خود جای داده‌اند. این امر می‌تواند حاکی از آن باشد که با توجه به فضای روشنفکری حاکم بر دوران مشروطه، علمای مشروطه‌خواهی چون میرزای نائینی هم بیشتر در توجیه مشروطه با نگرشی شناختی، یعنی با استدلالات قیاسی (با نظامات سیاسی غربی) و تاریخی، سعی داشته‌اند. اگرچه در جای‌جای کتاب شواهدی از قرآن و روایات نیز برای منویات خود بیان نموده‌اند. میرزای نائینی در حقیقت به این علت که حضور مستقیم ولایت فقیه یا حاکم شرع در مسند امور و عزل و نصب‌ها را عملاً نامقدور می‌دیدند، به مآذون بودن کارگزاران و نمایندگان رضایت داده‌اند. ایشان در انتهای کتاب با بیان استدلال فوق‌اعلام می‌کند که دو فصل اول کتاب را که در مورد مشروعیت زعامت ولی فقیه و ویژگی‌های حکومت ولی فقیه می‌باشد، قبل از انتشار حذف نموده است، و همین امر مقداری قضاوت‌ها و تحلیل‌های عددی فوق‌را با چالش مواجه می‌کند.

با توجه به فراوانی مضامین معرفی‌شده، ایشان وظیفه‌امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ظلم و استبداد و تلاش برای به بار نشستن مشروطه را مهم‌ترین وظایف یک «فرد به عنوان یک کنشگر سیاسی» می‌دانند. همچنین در نگاه ایشان تقاضاها و حمایت‌های جراید و شوراها از نظام، به عنوان مضامینی که در چارچوب مفهومی در طبقه درون‌دادها قرار دارند، نقش به‌سزایی یک نظام سیاسی آرمانی دارا هستند. همچنین نگاهی به پراکندگی فراوانی‌ها نشان می‌دهد که نویسنده در بحث از نظام سیاسی مطلوب خویش سعی کرده است به ابعاد مختلف یک نظام سیاسی (یعنی هم ساختارهای حکومتی و هم ساختارهای غیرحکومتی مانند گروه‌های مدنی) توجه کند.

«رساله انصافیه»

رساله انصافیه، اثر مرحوم حاج ملاعبدالرسول کاشانی، رساله‌ای است که در دفاع از ۱۱۷

مشروطیت و به قصد اثبات عدم مابینت آن با شریعت اسلامی نوشته شده است. از نظر مرحوم کاشانی وضع قانون کامل، تنها از سوی خداوند میسر است. به عقیده وی، دلیل نیاز غیرمسلمانان به مشروطه، فقدان قانون کامل است. ملا عبدالرسول در ادامه بحث خود به دفاع از مشروطه می‌پردازد و تأکید می‌کند که چون ما هنوز معنای مشروطه را نفهمیده‌ایم، بدون تحقیق با آن مخالفت می‌کنیم! مشروطه در نقطه مقابل مطلقه قرار دارد و تمکین به آن و نفی مطلقیت قدرت، تمکینی عقلی است. از سوی دیگر چون معنای مشروطیت عموماً جز تمکین به عدالت نیست و عدالت در شریعت اسلامی نیز رکن اصلی و لازمه حکومت است، پس میان مشروطیت و شریعت تضادی نخواهد بود؛ بلکه مشروطیت از شریعت اخذ شده است.

شاید بارزترین نکته‌ای که در بررسی و تحلیل محتوای رساله انصافیه جلب توجه می‌کند و به‌طور عجیبی با فراوانی زیادی در رساله تکرار شده است: لزوم حکومت قانون و در قالب آن التزام همه‌جانبه کارگزاران حکومت به قانون، حکومت قانون و نه افراد، تبیین صریح قانون، لزوم مجاورت آزادی با قانون، نظارت بر اجرای قانون در سطوح مختلف جامعه یا به عبارت خلاصه‌تر قانون‌گرایی شدید و مفرط است که ۱۷/۶ درصد از مضامین استخراج شده را تشکیل می‌دهد. از آرای حاج ملا عبدالرسول کاشانی و با توجه به نتایج تحلیل محتوا، دلبستگی و تأثر وی را در دوران مشروطه به تحولات سیاسی غرب در قالب مفاهیمی چون: کوچک‌سازی دولت، لزوم تفکیک قوا، تأکید بر حضور قانون اساسی و... می‌توان تشخیص داد، که به‌تنهایی حدود ۸ درصد از مضامین را تشکیل می‌دهد.

با توجه به چارچوب تدوین شده توسط آلموند و وربا نیز می‌توان گفت که این دانشمند درک به نسبت جامعی از جنبه‌های مختلف نظام سیاسی (نظام به‌عنوان یک کل، درون‌داد، برون‌داد، و خود به‌عنوان یک بازیگر سیاسی) را در این رساله ارائه کرده است؛ جز اینکه ابعاد درون‌دادها آن‌طور که باید و شاید پرداخته نشده‌اند. جنبه درون‌داد حوزه‌ای است که کنشگران در هر سطحی از فرهنگ سیاسی درک روشن و عینی از آن ندارند. جنبه‌ای که حاکی از غلبه سازوکارهای سیاست‌گذاری از بالا به پایین است، که هم می‌تواند ناشی از ساختار استبداد بوده باشد و هم خود عاملی برای بازتولید آن باشد.



مجموع	درصد فراوانی	رساله انصافیه	
		شناختی	نظام
۱۸/۴	۹/۲	شناختی	نظام
	۷/۱	ارزشی	
	۲/۱	احساسی	
۴۱/۸	۵/۲	شناختی	درونداد
	۵/۲	ارزشی	
	۰	احساسی	
۱۰/۲	۲۸/۳	شناختی	برونداد
	۱۲/۲	ارزشی	
	۱/۲	احساسی	
۲۹/۴	۱۶/۶	شناختی	خود
	۱۰/۷	ارزشی	
	۲/۱	احساسی	

«رساله‌ی لالان»

ثقة الاسلام این رساله را برای جلب نظر علمای عتبات و ترغیب آنان برای دادن فتواهای صریح مبنی بر وجوب مشروطه نوشت، تا مخالفان نتوانند مشروطه را مخالف دین معرفی و با آن مقابله کنند.

مجموع	درصد فراوانی	رساله لالان	
		شناختی	نظام
۲۶/۸	۱۵/۴	شناختی	نظام
	۸	ارزشی	
	۳/۳	احساسی	
۱۶	۵/۱	شناختی	درونداد
	۸	ارزشی	
	۰/۷	احساسی	
۱۴	۹/۵	شناختی	برونداد
	۶/۴	ارزشی	
	۰	احساسی	
۴۳/۳	۲۸/۸	شناختی	خود
	۱۴/۴	ارزشی	
	۰	احساسی	

روحیه انقلابی‌ای را که «رساله لالان» با تلقین آگاهی به کنشگر سیاسی مخاطب خود در صدد تهییج آن است، می‌توان در جای‌جای این رساله مشاهده کرد؛ به‌طوری که ۲۱/۱ درصد از مضامینی که در قالب چارچوب مفهومی ما می‌گنجید در بُعد «خود به عنوان کنشگر سیاسی» به مضامین استبدادستیزی، استعمارستیزی و عدم وابستگی، عدالت‌خواهی و جهاد می‌پردازند. همچنین در این رساله نگرش‌های شناختی بر نگرش‌های ارزشی غالب هستند. طبق چارچوب آلموند و وربا در این رساله مقولاتی که به جنبه درون‌دادها می‌پردازند، با ۱۴ درصد در اقلیت بوده است و از عینیت کمتری برخوردارند، در حالی که سخن از «خود به عنوان کنشگر سیاسی» با ۴۳/۳ درصد به‌طور محسوسی به سایر جنبه‌ها غلبه دارد. شاید بتوان گفت که هرچند فرهنگ سیاسی شیعه ذیل مقوله امر به معروف و نهی از منکر شاخص‌های بالایی از فرهنگ مشارکتی را ترویج می‌دهد و قابلیت‌های بالایی در این زمینه دارد، اما از آنجایی که شیعیان در طول تاریخ تقریباً هیچگاه بر مسند نظام سیاسی حاکم نبوده‌اند و بیشتر به عنوان حرکت‌های اعتراضی در مقابل حکومت‌های جور ظاهر شده‌اند؛ اغلب در مورد کلیت نظام اسلامی، چارچوب‌ها و ویژگی‌های آن و حداکثر ساختارهای درونی و اجرایی آن به طور مختصر بحث شده است؛ و کمتر درون‌دادها و اعضای جامعه شیعی به عنوان یک کنشگر سیاسی مطرح شده‌اند؛ چرا که قبل از فراهم بودن یک نظام اسلامی شیعی، زمینه‌ای فراهم نمی‌آید تا قوانین مدنی شیعی در آن رشد و پرورش کافی داشته باشند.



«رساله قانون در اتحاد دولت و ملت»

مجموع	درصد فراوانی	رساله‌ی قانون در اتحاد دولت و ملت	
۳۳	۱۸	شناختی	نظام
	۱۱/۴	ارزشی	
	۳	احساسی	
۴۰	۲۵	شناختی	درون‌داد
	۱۳	ارزشی	
	۱/۵	احساسی	
۳	۳	شناختی	برون‌داد
	۰	ارزشی	
	۰	احساسی	
۲۳	۱۱	شناختی	خود
	۹	ارزشی	
	۳	احساسی	

«قانون در اتحاد دولت و ملت» را سید عبدالحسین لاری در حمایت و دفاع از مشروطیت و با نثر متکلف و کاملاً غیرمعارف نوشته است. از تحلیل فراوانی‌های به دست آمده استنباط می‌گردد که در این رساله به ترتیب: برونداد، نظام، خود و درونداد بیشترین فراوانی‌ها را کسب کرده‌اند. شیخ عبدالحسین لاری در این رساله بیشتر سعی کرده است به تبیین ساختار و ویژگی‌های مجلس شورا پردازد. او یک فقیه جامع‌الشرایط را در رأس قوه مقننه می‌نشانند و صفات لازم را برای نمایندگان بر می‌شمرد. نکته مهم این است که کل نظام سیاسی به قوه قانونگذاری تقلیل یافته است و از دیگر قوا و ملزومات نظام سیاسی کمتر سخنی به میان آمده است. مشابه دیگر متون علمای مشروطه‌خواه در رساله «قانون در اتحاد دولت و ملت» نیز نگرش‌های شناختی (حدود ۵۸ درصد) بیش از نگرش‌های ارزشی (۳۳ درصد) مورد تأکید قرار گرفته‌اند، و نگرش‌های احساسی با حدود ۸ درصد کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

مجموع	درصد فراوانی	رساله مکالمات مقیم و مسافر	
۴۰/۹۵	۱۶/۱۲۲	شناختی	نظام
	۲۴/۷۳	ارزشی	
	۰	احساسی	
۷/۱۸	۳/۱۹	شناختی	درون‌داد
	۳/۹۹	ارزشی	
	۰	احساسی	
۴۳/۰۹	۱۴/۱۰	شناختی	برون‌داد
	۲۸/۹۹	ارزشی	
	۰	احساسی	
۸/۷۸	۰	شناختی	خود
	۸/۷۸	ارزشی	
	۰	احساسی	

«مکالمات مقیم و مسافر»

کتاب مکالمات مقیم و مسافر نوشته حاج آقا نورالله اصفهانی است. این رساله از ویژگی خاصی برخوردار است؛ چرا که در قالب یک مکالمه بین مقیم و مسافر تکوین پیدا می‌کند که از این میان "میرزا هدایت الله خان" نیز به عنوان راوی فاکت‌های تاریخی وارد این مباحثه می‌شود. با توجه به عنوان مقاله (نخبگان شیعه)، اصولاً ما به دنبال تحلیل

نگرش‌های شخصیت مسافر خواهیم بود که به عنوان مدافع مشروطه، نگرش‌های خود را عموماً در قالب نگرش‌های ارزشی مثل آنچه که مشروطه باید به ارمغان بیاورد و نگرش-های شناختی در قالب رویکردی انتقادی نسبت به نظام موجود ارائه می‌کند. با توجه به جدول نتایج حاصل از تحلیل محتوای کتاب مکالمات مقیم و مسافر، و همان‌طور که از متن نیز بر می‌آید، توجه به فرد به عنوان بازیگر سیاسی کم‌رنگ است؛ چرا که در واقع بحث در این کتاب بر روی اعتبار نوع حکومت است. لذا بدیهی به نظر می‌رسد که بازتاب چنین متنی در جنبه «فرد به عنوان بازیگر سیاسی» از فرهنگ سیاسی کم‌رنگ و جنبه-های نظام و برون‌داد پرننگ باشد.

«رساله قانون مشروطه مشروعه»

رساله قانون مشروطه مشروعه اثر مرحوم حاج سید عبدالحسین موسوی لاری دزفولی الاصل، از رسائلی است که در دفاع از مشروطیت تألیف شده است. در این رساله اصلاً بحثی از درون‌دادهای یک نظام سیاسی با توجه به گویه‌های مورد نظر به میان نیامده است. در زمان نگارش این رساله، عملاً هیچ یک از شئون حکومتی مورد نظر نویسنده در جامعه استقرار نداشته است تا به لحاظ نظری امکان اندیشیدن نویسنده به بُعد درون‌دادهای نظام آرمانی و مطلوب خویش، وجود داشته باشد. تمرکز نویسنده بیشتر بر توضیح خود نظام سیاسی به عنوان یک کل و همچنین برون‌دادهای آن است.

مجموع	درصد فراوانی	مشروعه مشروطه قانون رساله	
		شناختی	نظام
۵۴/۳۴	۲۵/۲۱	شناختی	نظام
	۲۲/۴۰	ارزشی	
	۶/۷۲	احساسی	
۰	۰	شناختی	درون‌داد
	۰	ارزشی	
	۰	احساسی	
۴۰/۳۴	۱۳/۴۵	شناختی	برون‌داد
	۱۷/۰۹	ارزشی	
	۹/۸۰	احساسی	
۵/۳۲	۱/۶۸	شناختی	خود
	۳/۶۴	ارزشی	
	۰	احساسی	



لاری که از علمای مبارز آن دوره بوده است، در این رساله سعی در به تصویر کشیدن مدینه فاضله‌ای دارد که در قالب یک نظام سیاسی جدید و متناسب با مقتضیات زمانه خود باشد. ما این نکته را از این جهت در می‌یابیم که وی بیشترین مقولات خود را در غالب نگرش‌های ارزشی بیان می‌کند. این به آن معنا است که وی در این رساله که چند ماه پیش از پیروزی مشروطه نوشته شده، می‌خواهد با به تصویر کشیدن یک نظام سیاسی که قوام و بنیه خود را از اسلام گرفته است، جامعه را به سمت و سوی اجرای قواعد اسلامی (همان مشروطه مشروعه از نظر وی) بکشانند. همچنین در این رساله نگرش‌های ارزشی بر نگرش‌های شناختی غالب هستند.

دوره پهلوی

مجموع	درصد فراوانی	سیستم حکومت اسلامی	
		شناختی	نظام
۴۰/۱۸	۱۳/۸۴	شناختی	نظام
	۲۶/۳۴	ارزشی	
	۰	احساسی	
۲/۶۸	۰	شناختی	درونداد
	۲/۶۸	ارزشی	
	۰	احساسی	
۵۱/۷۸	۰/۸۹	شناختی	برونداد
	۵۰/۸۹	ارزشی	
	۰	احساسی	
۵/۳۶	۰	شناختی	خود
	۵/۳۶	ارزشی	
	۰	احساسی	

«سیستم حکومتی اسلامی»

علامه یحیی نوری از پیشگامان انقلاب اسلامی ایران و یادآور حماسه ۱۷ شهریور است. این کتاب یکی از آثار علامه نوری است که در اوج رخدادهای سال ۴۲، ابتدا با عنوان بخشی از کتاب اسلامی و عقاید و آرای بشری، و سپس به صورت مستقل به چاپ رسید.

ایشان در این کتاب شرحی از چگونگی حکومت اسلامی، ویژگی‌ها و ممیزات آن، شرایط رهبری و نیز وظایف حکومت اسلامی به دست داده است. در کتاب سیستم حکومت اسلامی به



ترتیب و با درصدهای فراوانی ۵۱/۷۸، ۴۰/۱۸، ۵/۳۶، ۲/۶۸ با مضامین در طبقه‌های برون‌داد، نظام، خود و درون‌داد مواجه می‌شویم. از طرفی ۱۴/۷۳ درصد مضمون‌های برخورد شده به لحاظ طبقه‌بندی در نگرش‌های شناختی، ۸۵/۲۷ درصد نگرش‌های ارزشی و صفر درصد در نگرش‌های احساسی قرار می‌گیرند. همان‌طور که مشاهده می‌کنید و از عنوان کتاب سیستم حکومت اسلامی بر می‌آید، ما در این کتاب بر خلاف سایر تألیفات، حتی با عنوانی مشابه با چشم‌اندازی از حکومت به‌عنوان یک کل و برون‌دادهای آن مواجه هستیم؛ که این ناشی از هدف علامه یحیی نوری در نوشتن این کتاب است که قصد داشته با توجه به ویژگی‌های یک نظام سیاسی اسلامی و توقعات و خروجی‌هایی که آن نظام باید داشته باشد، یک الگوی مناسب برای اعمال دستورات و قوانین اسلامی در حکومت اسلامی ارائه دهد. همچنین با توجه به خاستگاه نویسنده که بیش از انتقاد، در عرصه تئوری‌پردازی حضور داشته، نگرش‌های ارزشی بر نگرش‌های شناختی غالب هستند. از سویی علامه نوری، در تبیین حکومت اسلامی از متون و نصوص دینی سود برده است، که این امر نیز می‌تواند غلبه نگرش ارزشی ۸۵/۲۷ درصدی آن را تبیین می‌کند.

مجموع	درصد فراوانی	سیستم حکومت اسلامی	
۵۱/۲۲	۲۵/۲۸	شناختی	نظام
	۲۵/۹۴	ارزشی	
	۰	احساسی	
۵/۹۹	۰	شناختی	درون‌داد
	۵/۹۹	ارزشی	
	۰	احساسی	
۲۸/۳۸	۱/۳۳	شناختی	برون‌داد
	۲۷/۰۵	ارزشی	
	۰	احساسی	
۱۴/۴۱	۰	شناختی	خود
	۱۴/۴۱	ارزشی	
	۰	احساسی	

«دین و شئون طرز حکومت در مذهب شیعه»

اسدالله ممقانی در سال ۱۳۳۴ کتاب "دین و شئون" را عرضه کرد که سبب تفسیق وی از سوی برخی از علمای تبریز شد. این متن بعدها در سال ۱۳۳۵ شمسی با اصلاحات و اضافات مختصر دوباره به چاپ رسید. در این کتاب با مضامین مربوط به نظام به‌عنوان یک کل که با

الگوی دینی معرفی می‌شود، بسیار برخورد می‌کنیم. این امر ناشی از به‌تصویر کشیدن رابطه دین و حکومت در تشیع می‌باشد که قصد اصلی نویسنده کتاب نیز تبیین این رابطه و چگونگی آن است. از سایر مضامینی که در سراسر کتاب به‌وفور به چشم می‌خورد، نقد خصلت‌ها و ویژگی‌های تاریخی ایرانیان است، که این نکته حاکی از دقت نظر نویسنده، آگاهی وی از اوضاع اجتماعی و شناخت خوب از مردم زمانه خود می‌باشد.

تحلیل نگرش شناختی و ارزشی نظام، به ما این نکته را گوشزد می‌کند که اسدالله ممقانی با واقعیت‌های موجود در جامعه از نزدیک آشنا می‌باشد و نوشته‌های خود را بر اساس داده‌های اجتماعی و متناسب با آن‌ها شکل داده است. یکی از ویژگی‌های اصلی این کتاب این است که در آن نویسنده با آگاهی کامل از وضعیت جاری جامعه، دست به قلم شده است و به تبیین ویژگی‌ها و شاخص‌های حکومت در تشیع و رابطه آن با مذهب می‌پردازد. البته ذکر این نکته درباره‌ی آرای ممقانی در این کتاب ضروری می‌نماید که در نظر وی، روحانیت اصولاً نباید در حکومت حضور یابد و باید نقش نظارتی خود را خارج از عرصه اجرایی کشور و حکومت اعمال نماید؛ چرا که به زعم او، احادیثی که برای اثبات ولایت فقیه به کار می‌روند، جواز حضور علما در حکومت را صادر نمی‌کنند. و آن‌ها نباید در حکومت مسئولیتی داشته باشند.

مجموع	درصد فراوانی	سیستم حکومت اسلامی	
۲۶	۶/۹	شناختی	نظام
	۱۹/۳	ارزشی	
	۰	احساسی	
۴۲/۶	۲/۹	شناختی	درونداد
	۶/۶	ارزشی	
	۰	احساسی	
۹/۳	۸/۷	شناختی	برونداد
	۳۳	ارزشی	
	۰	احساسی	
۲۲	۰	شناختی	خود
	۲۲/۵	ارزشی	
	۰	احساسی	

«نظام حکومت در اسلام»



سال ۱۳۹۶ قمری است، که برابر با سال ۱۳۵۵ شمسی یعنی دو سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی همان طور که از درصدهای فراوانی بر می آید و در کتاب نیز در جای جای بحث به آن برمی خوریم، اصولاً این کتاب درصدد بازنمایی مولفه های برون دادهای یک نظام سیاسی با الگوی حکومت اسلامی است که در قالب آن به طور مختصر به حقوق و وظایف فردی و کلیت نظام نیز پرداخته است. در این اثر نیز مانند سایر آثار مورد بررسی، ضعف در پرداختن به درون دادهای نظام به طور عینی وجود دارد و چگونگی جریان یافتن سیاست گذاری درون نظام حکومت اسلامی از پایین به بالا را مشاهده نمی کنیم. در این رساله نیز تعداد افزون تر مقولات ارزشی نسبت به مقولات شناختی خودنمایی می کند؛ که این مسأله با توجه به رسالت اجتهادی نویسنده قابل توجیه می باشد.

مجموع	درصد فراوانی	طرح کلی نظام اسلامی	
۲۹/۴	۱۰/۹	شناختی	نظام
	۱۸/۵	ارزشی	
	۰	احساسی	
۳۹/۹	۰/۵	شناختی	درون داد
	۶/۸	ارزشی	
	۰	احساسی	
۶/۷	۶/۲	شناختی	برون داد
	۳۳/۷	ارزشی	
	۰	احساسی	
۲۳/۷	۲/۱	شناختی	خود
	۲۱/۵۶	ارزشی	
	۰	احساسی	

«طرح کلی نظام اسلامی»

این کتاب با عنوان فرعی «توحید و خداپرستی و سایر معارف وابسته به آن در نظام اسلامی» به قلم شیخ علی تهرانی شاگرد و مرید (مقطعی از زندگی) امام خمینی **؛** می باشد.

۸۰/۷ درصد مضمون ها از لحاظ نگرشی در طبقه نگرش های ارزشی و ۵/۴ درصد در نگرش های احساسی قرار می گیرند. ارائه تصویری همه جانبه از نظام احکام اسلامی در

ابعاد و حوزه‌های مختلف از ویژگی‌های بارز این کتاب است و بخش اعظم کتاب را به خود اختصاص داده است. اما پرداختن کم‌رنگ به مقوله‌های درون‌داد موضوعی است که در این رساله نیز مانند سایر رساله‌های فقهی و سیاسی مشابه خودنمایی می‌کند.

مجموع	درصد فراوانی	طرح کلی نظام اسلامی	
۵۲	۲۴/۸	شناختی	نظام
	۲۶/۵	ارزشی	
	۱	احساسی	
۱۳	۱۰	شناختی	درون‌داد
	۳	ارزشی	
	۰	احساسی	
۱۷/۵	۸/۵	شناختی	برون‌داد
	۹	ارزشی	
	۰	احساسی	
۱۶	۱۰	شناختی	خود
	۵	ارزشی	
	۱	احساسی	

«ولایت فقیه»

مهم‌ترین اثر امام خمینی **۷** درباره‌ی ولایت و زعامت سیاسی فقها است که شامل برخی درس‌گفتارهای ایشان در درس خارج فقه نجف اشرف در دهه ۵۰ شمسی می‌باشد. نگارنده در این کتاب به دلایل تشکیل حکومت اسلامی، طرز حکومت اسلامی و اثبات ولایت فقیه پرداخته است.

با تحلیل داده‌ها به این نتیجه می‌رسیم که نظام به‌عنوان یک کل، بیشترین فراوانی را نسبت به دیگر مقولات به خود اختصاص داده است. به‌طور کلی تلاش نگارنده اثبات نظریه ولایت فقها به وسیله استدلالات عقلی و نقلی است. در زمینه برون‌دادها هم بیشتر به نقد ساختارهای اجرایی موجود در زمان نگارش کتاب پرداخته شده است. در درون‌دادها تنها به نقش علما در بیدارگری و آگاهی‌بخشی افراد تأکید شده است و همچنین بین دو قشر اسلام آخوند درباری و اسلام ناب تمایز قائل شده است. در بُعد خود به عنوان کنشگر سیاسی، بیشتر به نقش فرد در بحث امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ظلم تأکید

شده است.

نویسنده در ابتدای کتاب، ولایت فقها را امری عنوان می‌کند که «تصور آن موجب تصدیق می‌گردد»؛ از همین لحاظ و همان‌طور که از تحلیل فراوانی مضامین مشخص است، نویسنده هم بحث‌های شناختی و عقلانی (۵۴ درصد) و هم بحث‌های ارزشی برآمده از متن آیات و روایات (۴۵ درصد) را مدنظر قرار داده است. به لحاظ توجه به مسائل تاریخی نیز فراوانی بالای بعد شناختی حاکی است از آگاهی خوب نویسنده از پیشینه تاریخی حکومت، نظام سیاسی و وقایع سیاسی کشور.

نتیجه‌گیری

باتوجه به مطالعه و تحلیل محتوای آثار منتخب، می‌توان به چند نتیجه کلی رسید و توسط آن محورهای تحول فرهنگ سیاسی علما و نخبگان مذهبی شیعه را مورد مذاقه قرار داد:



با توجه به یازده اثر مورد بررسی و نتایج و آمارهای حاصل‌شده از آن‌ها مشاهده شد که: به طور غالب دو مقوله «نظام» و «برونداد» بیشترین درصد فراوانی‌ها را در هر کتاب به خود اختصاص داده‌اند و «درونداد» و «خود به عنوان بازیگر سیاسی» مورد تأکید کمتری قرار گرفته‌اند. این نوع توزیع فراوانی مضامین، به معنای توجه زیاد به بخش «کلیت نظام سیاسی» است «برون‌دادهای نظام سیاسی» است. توجه کم‌رنگ‌تر به بخش «دروندادها» و «مردم به عنوان کنش‌گرهای سیاسی» در دوران پهلوی با نسبت مشخص‌تری مشهود می‌باشد. فارغ از مضامین مورد بررسی که این مطلب را مورد تأیید قرار می‌دهند، عناوین رساله‌ها نیز به نوعی مؤید این دلالت هستند. عناوینی مانند «سیستم حکومت اسلامی»، «دین و شئون طرز حکومت در مذهب شیعه»، «نظام حکومت در اسلام»، «طرح کلی نظام اسلامی» و نهایتاً «ولایت فقیه» همگی نشان‌گر رویکردی جدی برای ارائه یک نظام سیاسی جایگزین هستند و خواستار الگویی که در آن فقط اسلام، آبشخور الگوهای مختلف در بخش‌های گوناگون نظام سیاسی باشد. در دوران مشروطه بیشتر شاهد رویکردی صرفاً اصلاحی در بین علما می‌باشیم؛ برای مثال میرزای نائینی در ارائه نظریه‌ای که در آن به صورت‌بندی حکومت مشروطه می‌پردازد، امکان‌پذیر نبودن حکومت فقها را دلیلی عقلی برای ایجاد حکومت جایگزین با بیشترین کارایی و کمترین آسیب‌ها می‌داند. هرچند میرزای نائینی امکان مشروعیت یافتن را برای چنین

حکومتی قائل می‌شود؛ اما اصالتاً مشروعیتی برای چنین حکومتی قایل نیست. در دوران مشروطه، نظام سیاسی جایگزینی که برای علمای آن دوره متصور بود، در درجه اول برای کاستن استیلا و قاهریت استبداد مطرح می‌گردید؛ و در مرحله بعد بود که آن‌ها تمام توان خود را در راستای تدوین استدلال‌هایی به کار می‌بردند تا بتوانند مبنایی برای مشروعیت یافتن چنان حکومتی را فراهم آورند. اما در دوران پهلوی و بعد از تجربه مشروطه امکان دستیابی به حکومتی که در دوران غیبت اصالتاً از مشروعیت برخوردار باشد به‌طور جدی مطرح می‌شود. در این دوران این مهم دور از دسترس نمی‌نماید که علما، نظام سیاسی مورد نظر خود را در مواضعی با حداقل انتظارات ارزشی طراحی کنند. لذا در دوران پهلوی انتظارات ارزشی به‌طور مستقیم در سطح یک نظام سیاسی اسلامی و با محوریت ارزش‌های اسلامی مطرح می‌شود. و در عناوین عموم رسالات این دوره عنوان "حکومت اسلامی" مشهود می‌باشد.

با در نظر گرفتن تعاریفی که آلموند و وربا از انواع فرهنگ سیاسی ارائه کرده‌اند و با توجه به این توزیع فراوانی مضامین (یعنی توجه زیاد به بخش نظام و برون‌داد از یک‌سو و توجه کم‌رنگ‌تر به درون‌دادها و مردم به‌عنوان کنشگر سیاسی) ساختار فرهنگ سیاسی علمای شیعه را در هر دو دوره می‌توان یک فرهنگ سیاسی "تبعی مشارکتی" دانست. لذا به لحاظ ساختاری نمی‌توان در جنبه‌های مختلف رویکرد روحانیت به نظام سیاسی و اجزای آن (نظام، برون‌داد، درون‌داد، خود)، تحول شگرفی را از مشروطه تا آستانه انقلاب اسلامی مشاهده نمود.

پیرامون درک و توجه علمای شیعه از «خود به‌عنوان یک کنشگر سیاسی» نکته مهمی که باید به آن اشاره داشت این است که اکثر پیام‌ها، تذکرات و مضامین در حوزه «وظایف» فرد به‌عنوان یک کنشگر مورد تأکید قرار گرفته است و از حوزه «حقوق» فرد به‌طور تلویحی غفلت شده است. در مورد شاخص‌های مختلف در طبقه درون‌دادها که کمترین فراوانی‌ها را به خود اختصاص داده بودند، با تأکید بر یک قشر خاص مانند روحانیون مواجه می‌باشیم؛ و به اقشار دیگر و نقش و جایگاه آنان در مناسبات اجتماعی و رقم زدن سرنوشت سیاسی جامعه، آن‌طور که باید و شاید توجه نشده است.

شاید بتوان دلیل این نقصان را فقدان تجربه لازم از حضور و دخالت مستقیم روحانیت شیعه آن زمان در امر حکومت دانست، که موجب عدم توجه کافی آنان به اقتضائات مهمی مانند مسأله مذکور در یک نظام مشارکتی گردیده است.



در کنار حفظ و تثبیت شاکله کلی فرهنگ سیاسی علمای دوران مشروطه و پهلوی، شاید بتوان از تحول فرهنگ سیاسی علمای شیعه در یک زمینه سخن گفت: در دوران پهلوی و آستانه انقلاب اسلامی نگرش‌های ارزشی نسبت به دوران مشروطه به طور معناداری بر نگرش‌های شناختی غلبه پیدا می‌کنند. این نگرش‌ها سهم به‌سزایی از آثار متعلق به این دوران را دارا هستند تا جایی که تا ۸۰ درصد فراوانی مقولات را در یک اثر به خود اختصاص می‌دهند. این امر را می‌توان از منظرهای مختلفی مورد بررسی قرار داد. دلیل این چرخش را از یک‌سو می‌توان به تطوراتی که در مواجهه ایرانی‌ها به‌طور کلی، و علمای شیعه به‌طور خاص با مسئله "تجدد" داشته‌اند، نسبت داد؛ به این معنا که در مواجهه اولیه با تمدن بورژوازی غرب، علمای شیعه به علت عدم درک عمیق از بنیادهای تمدن تجدیدی، وضعیتی که حاصل از هجوم بی‌امان نظام‌ها و دستگاه‌های معرفتی غرب مدرن در قالب‌هایی زیبا و فریبنده (همچون ترقی و پیشرفت)، مثل روشنفکران مقتون این ظواهر شده بودند و سعی می‌کردند به انحاء مختلف در تأیید جلوه‌های مختلف این تمدن برآیند. برای نمونه در بیشتر رسائل دوران مشروطه سعی بر این است که نظام سیاسی مدرن را مورد تأیید دین و ارزش‌های دینی نشان دهند. مثلاً میرزای نایینی همچون دیگر علمای مشروطه‌خواه، دموکراسی و مشروطه غربی را در اصل، محصول عمل به دستورالعمل‌های دینی می‌داند که غربیان از مسلمان‌ها در عمل به آن احکام پیشی گرفته‌اند. اما در مراحل بعدی مواجهه با تمدن غربی از آنجا که گذر زمان در پس چهره فریبنده تجدید، چهره زشت آن را نیز در قالب تجاوز و تعدی و استعمار به ایرانیان نشان داده بود، گفتمان‌هایی شکل گرفت که داعیه بازگشت به ارزش‌های خودی و بومی را داشتند. از همین جهت کتاب‌هایی که در عصر انقلاب اسلامی در رابطه با نظام سیاسی اسلام نوشته می‌شد، تأکید بیشتری بر منابع دینی داشت تا استدلالات قیاسی و تاریخی و تحلیلی.

روند شکل‌گیری وقایع مشروطه متناسب با خواسته‌های علمای نجف رقم خورد، تا جایی که مخالفان این رویکرد نیز عملاً از صحنه خارج شدند؛ لکن به عقیده بسیاری از علمای متعلق به این جریان، نتایج تا حدود زیادی متفاوت از آن چیزی رقم خورد که در ذهن داشتند. این تجربه ناموفق، علما را به بازاندیشی جدی در مواضع و رویکردهایشان واداشت. با توجه به زمینه فکری این قشر و ریشه‌های عمیق دینی و اعتقادی آنان، بازگشت جدی‌تر به ارزش‌های اصیل و خدشه‌ناپذیری که این گروه عمیقاً به آن باور داشتند و برخورد محتاطانه و کاملاً کنترل‌شده با ارزش‌های جدید و مدرن، در دستور کار نسل جدیدتر علمای دوره پهلوی قرار گرفت.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۹) *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران: مرکز، چاپ اول.
- آل‌غفور، سیدمحمدتقی (۱۳۷۵) «نقش فرهنگ در ساختار سیاسی ایران معاصر»، *فصلنامه نقد و نظر*، شماره‌ی ۳ و ۴، ص ۱۱۲ تا ۱۳۷.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۸۱) *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت*، تهران: کتاب-سیامک، چاپ اول.
- سیدامامی، کاوس (۱۳۷۴) «روش‌های تاریخی - تطبیقی در آثار تیدا اسکاچیول و چارلز تیلی»، *مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق 7*، شماره ۱، ص ۱۵۵ تا ۱۷۰.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴) *آموزش دانش سیاسی*، تهران: نگاه معاصر، چاپ دوم.
- جواهری، مریم (۱۳۸۰) *نقش علماء در انجمن‌ها و احزاب دوران مشروطیت*، تهران: مرکز استاد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- تاجداری، علیرضا (۱۳۸۶) «خاستگاه‌های اجتماعی و گفتمان‌های نیروهای سیاسی در انقلاب‌های مشروطه و اسلامی»، *پایان‌نامه دکتری*: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- جمال‌زاده، ناصر (۱۳۷۶) «اندیشه سیاسی علمای شیعه در زمینه‌ی مشروطه‌خواهی (از جنبش تحریم تنباکو تا به توپ بسته شدن مجلس [۱۲۸۷-۱۲۷۰ / ۱۸۹۱-۱۹۰۸])»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس*.
- _____ (۱۳۷۷) «تنوع گفتمانی علمای شیعه در عصر مشروطیت»، *مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق 7*، شماره ۸، صفحات ۲۰۲-۱۷۷.
- جولوس گولد و ویلیام کولب (۱۳۸۴) *فرهنگ علوم اجتماعی*، مترجم باقر پرهام، ویراستار محمد جواد زاهدی مازندرانی، نشر مازیار، چاپ اول.
- جهانگیری، جهانگیر؛ بوستانی، داریوش (۱۳۸۰) «بررسی عوامل موثر بر فرهنگ سیاسی:



مطالعه موردی افراد ۲۰ سال به بالای شهر شیراز»، شیراز: *مجله جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی*.

- چیلیکوت، رونالد (۱۳۷۸) *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*، ترجمه‌ی وحید بزرگی و علیرضا طیب، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول.

- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۴) *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۷.
- روحانی، سیدمحمدصادق (۱۳۸۴) *نظام حکومت در اسلام*، قم: مؤسسه انتشاراتی امام

عصر ۴، چاپ ششم.

- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۸۷) *رسایل مشروطیت؛ به روایت موافقان و مخالفان*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- سرشار، حمید (۱۳۹۰) *تیپولوژی فرهنگ سیاسی و عوامل موثر بر آن؛ مطالعه‌ی موردی دانشجویان دانشگاه کردستان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی*.

- شریف، محمدرضا (۱۳۸۱) *انقلاب آرام: درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*، تهران: روزنه، چاپ اول.

- شهرام‌نیا، سید امیر مسعود (۱۳۸۵) *جهانی‌شدن و دموکراسی در ایران، نشر نگاه معاصر*، چاپ اول.

- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳) *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۶) «روحانیت و سیاست: بازگشت مجدد روحانیت به سیاست و پیروزی انقلاب»، *هفته‌نامه پگاه حوزه*، شماره ۲۲۶.

- قیصری، نورالله (۱۳۷۴) *علل نفوذپذیری فرهنگ سیاسی ایران از غرب (در دوران انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی)*، *پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس*.

- کچویان، حسین (۱۳۸۵) *تطور گفتمان‌های هویتی ایران: ایرانی در کشاکش با تجدد و مابعد تجدد*، تهران: نشر نی، چاپ اول.

- کیوی، ریمون؛ کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۶) *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا، چاپ دوم.

- گولد، جولیس؛ کولب، ویلیام (۱۳۸۴) *فرهنگ علوم اجتماعی*، ویراستار محمد جواد زاهدی مازندرانی، تهران: نشر مازیار.
- مهرداد، هرمز (۱۳۷۳) «نظریه فرهنگ سیاسی چارچوبی برای تحلیل»، *فصلنامه‌ی پژوهش و سنجش*، شماره ۲ و ۳.
- نائینی، میرزاحمدحسین (۱۳۸۷) *تنبیه الامه و تنزیه المله*، به کوشش روح‌الله حسینیان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱) *تأثیر فرهنگ بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: وزارت امور خارجه.
- هاشم‌زهی، نوروز (۱۳۸۶) *شرایط اجتماعی و پارادایم‌های روشنفکری در آستانه دو انقلاب ایران: انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- هولستی، آل.آر (۱۳۷۴) *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده‌امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
- منابع لاتین:
- Almond, Gabriel; Verba, Sidney (1963); *"The Civic Culture; Political Attitudes and Democracy in Five Nations"*, Princeton university press.
 - Diamond, Larry (1993); *"Political Culture and Democracy in Developing Countries"*, Lynne Rienner Publishers.
 - Dowse, Robert; Hughes, John.A (1975); *"Political Sociology"*, John Wiley and Sons.
 - Gendzel, Glen (1997); "Political Culture: genealogy of concept", *journal of interdisciplinary history*, V. 28, N. 2.
 - Street, John (1994); "From Civic Culture to Mass Culture", *British journal of political science*. V. 24, N.1.